

مشاهدات روز عاشورا

(ایران هرگز به گذشته باز نمی گردد)

یک شنبه حدود ۱۰ صبح حوالی دانشگاه شریف در خیابان آزادی در مسیر موعود راهپیمایی با تفاق برخی از اعضای خانواده حضور یافتم بنظر می رسید که تظاهرات ابتدا در حد فاصل میدان امام حسین تا ولی عصر جوشش خواهد کرد در ایستگاه اتوبوس بی آر تی عده زیادی که معلوم بود قصد حضور در راه پیمایی را دارند جمع بودند؛ اتوبوس ها در حالی که بسیار دیر به دیر می آمدند مملو از مسافر بودند و جایی برای مسافری در ایستگاه نبود؛ بخشی از جمعیت بسختی به آن سوار می شدند و برای سوار شدن با فشار زیاد؛ "یا حسین" می گفتند که از طرف جمع مورد استقبال قرار می گرفتند و این شروع همصدایی ها بود. در ضمن طی خیابان آزادی؛ در دو طرف خیابان؛ افراد کمی در حال گذر به سمت انقلاب بودند. بیشتر نگاهها نگران و مأیوس بود که نکنند راهپیمایی وزین و سراسری شکل بگیرد؛ و آرزو ها رو به خاموشی روند. در اتوبوس یک احساس همبستگی در بینمان وجود داشت؛ احساس می کردیم هم سرنوشتیم و از یک خانواده آمده ایم؛ شروع به شعار دادن کردیم؛ عابرین ابتدا کنجکاوانه بدنبال منبع صدا بودند و پس از آنکه متوجه اتوبوس می شدند ناگهان خون در صورتشان می دودید؛ سرخ می شدند؛ لب ها شکفته و خندان و با پالایردن دستها به علامت پیروزی به ما عکس العمل نشان می دادند؛ و ما می فهمیدیم که برخی از هم سرنوشتی های و اعضای خانواده مان؛ پیاده بما خواهند پیوست بسیاری از خودرو ها هم با شنیدن شعارها با صدای بوق همراهی می کردند. پلیس مسیر اتوبوس را بسته بود و مابقی راه از جمهوری بطرف شرق ادامه یافت و از خیابان سعدی مجدداً به انقلاب رفته و در همان تقاطع همگی پیاده شدیم.

عده بسیار زیادی در پیاده روها بسمت میدان انقلاب در حرکت بودند با اولین نگاهها ارتباط دیرینه خانوادگی برقرار و سرنوشت مشترک؛ ما را بهم پیوند می داد. همه آمده بودند گویا تمام جمعیت تهران حضور یافته بود دریای جمعیت انسان را دچار شوک می کرد؛ با شروع شعارها جمعیت مترکم تر و سهمگین شد پس از طی چند صد متر نیروهای سرکوبگر که آنها هم از این جسارت و شجاعت مردم؛ شوکه شده بودند با صورت هایی رنگ باخته بما حمله ور شدند و جمعیت ناچار از خیابان های فرعی بسمت بالا بحرکت در آمد و جنگ و گریز در جریان بود بسیاری خاتمه ها با درب باز پناهگاه خوبی برای کسانی که در بن بست ها گرفتار بودند شده بود؛ در مسیر طالقانی با پیوستن گروه های زیادی در بین آنها زنی با بیش از ۷۰ سال با وزنی سنگین در حالیکه یک پایش هم در اثر حوادث زمان مقداری کوتاه شده بود و بسختی راه می رفت در بین جمعیت بود با خود فکر می کردم چگونه می تواند در صورت حملات خود را از فشار و ازدحام جمعیت بیرون بکشد؟ اما او با خود فکر می کرد چگونه مخالفت و اعتراض را بر علیه حکومت جنایت و سرکوبگر وحشی؛ بطور مؤثر اعلام کند؛ با هر حمله نیروهای سرکوبگر؛ عده ای جمعیت را دعوت به آرامش و عقب نشینی آرام می کردند زن مسن دیگری در دستان نحیفش دو سنگ حمل می کرد؛ فکر انسان قبل از میزان کاربرد سنگ ها توسط او؛ متوجه عمق خشم و کینه ای که از حاکمیت ضد بشری؛ مستبد؛ فریبکار و شعیده باز در دل داشت چرخش می کرد. او خود در درونش؛ به مطالباتش می اندیشید که به مقاومتش؛ که گامی در جهت متلاشی شدن حکومت بر می دارد. بسیاری از جوانان عمق فاجعه را بهتر از ما درک کرده؛ اهداف و مطالبات خود را با شعارهایی که قبلاً آماده کرده بودند پیوند داده بودند؛ "می جنگیم؛ می میریم؛ کشورمان را پس می گیریم" راستی میهن ما اشغال شده است؛ گروهی ضد بشر؛ خونخوار؛ مست و با عصبیت قبیله عشیره ای با به یغما بردن منابع اقتصادی؛ که آنرا جزو غنم خود محسوب می کند و هیچ برنامه زندگی بهتر و توسعه پایداری برای صاحبان اصلی این سرزمین ندارند انحصار قدرت؛ ثروت؛ رسانه ها را در دست گرفته و برای مردم هیچ حقوقی قائل نیستند؛ آنان که تقدس مذهب به تقدس مالکیت برایشان تبدیل شده است؛ خود را نماینده خدا می دانند؛ و برای حزب الله لبنان و حسن نصرالله و حماس و حزب الدعوه و ... تمامی امکانات؛ پول و اسلحه و تجهیزات آنها را تأمین و هر از مدتی جنگی راه اندازی کرده و هزینه و اقدامات بازسازی را از خزانه ملت ایران بعهده می گیرند چرا که می خواهند در منطقه اعمال قدرت کنند؛ حاکمیت با استفاده از مردم ایران؛ برای آنها می جنگد و حزب الله لبنان نیز حاضر است برای حاکمیت باند خامنه ای با مردم ایران بجنگد؛ برای حکومت تورم؛ بیکاری؛ فقر و نا امنی؛ بی حقوقی و به یغما رفتن منابع و نفت و اتمام ثروت خدادادی این مملکت نسل های آینده هیچ اهمیتی ندارد.

در شعار "اینهمه لشکر آمده؛ علیه رهبر آمده" مستقیماً مغز علیل حکومت را نشانه گرفته بودند شعار دیگر: "این است شعار ملت؛ دین از سیاست جداست"..... و "مرگ بر اصل ولایت فقیه" حقیقتی را نشان می دادند که:

بشر از ۵۰۰ سال قبل با اتکاء به عقل و اندیشه خود؛ کلیه قوانین اجتماعی - اقتصادی حقوقی و سیاسی مورد نیاز را با استفاده از عقل جمعی؛ مشارکت همگانی و دموکراسی؛ هر چند با درجاتی متفاوت؛ خود تدوین نمود و قرون وسطی و قانونگذاری آسمان را به پایگانی سپرد و اعلام داشت دین امر شخصی افراد است. انسان برای دستیابی به دنیای نو که کار؛ آموزش؛ بهداشت و مسکن برای همه تأمین شده باشد و راه تکامل و تعالی انسان را که در آن الزام از هر گونه عنصر مافوق انسانی که توسط خود انسان ساخته شده اعم از سرمایه؛ پول؛ کالا؛ حکومت و آسمان را تحت اختیار خود درآورده و دنیایی نوین و در شأن انسان را بنا بگذارد. و لذا نه به ولایت فقیه و نه فقه از جمله قصاص و حدود شرعی و غیره در برنامه اجتماعی نیاز نیست و دین امر شخصی هر فرد است.

شعار "خامنه ای حیا کن؛ سلطنت رو رها کن" انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ سلطنت را واژگون کرد اما آیت الله خمینی تمام مطالبات مردم ایران؛ اعم از آزادی؛ دموکراسی؛ عدالت اجتماعی؛ حکومت ملی و ... را با آوردن اصل ولایت فقیه محو کرد و انقلاب را فقط به مخالفت با شخص شاه تقلیل داد و بساط سلطنت دینی را با قید و بست های بسیار محکمتر از دوره قبل برقرار کرد. خمینی صراحتاً انحصار و استبداد را لازمه حکومت دینی اعلام نمود. "..... همه ما انحصار طلبیم.. مسلمین همه انحصار طلبند پیغمبر ها هم همه انحصار طلب بودند خدای تبارک و تعالی هم انحصار طلب است .. انحصار طلبی - فی نفسه - امر فاسدی نیست" (صحیفه امام ج ۱۵ صص ۲۰۱-۲۰۰).- و البته برای استقرار ولایت فقیه؛ حکومت مجبور به اقدام غیر عرفی تسخیر سفارت آمریکا (یعنی بخشی از خاک کشور آمریکا) در یک اقدام خیمه شب بازی و فریبکارانه و برای انحراف مردم از مطالبات تاریخی خود مدعی مبارزه با استکبار شد و سپس با حدود بیست هزار اعدای از سازمان ها و احزاب مخالف و ششصد هزار کشته در جنگ ایران و عراق؛ نابودی بسیاری از شهرها و زیر ساخت های کشور بر اثر راه انداختن جنگ هشت ساله؛ جنگ را نعمت الهی نام گذارد تا نظام فقهی خود بهمراه قانون اساسی ارتجاعی را مستقر نماید.

شعار "یا مرگ یا آزادی" و برآستی انسان امروزی به هیچ وجه به کمتر از آزادی های سیاسی؛ فرهنگی و اقتصادی تن نخواهد داد و تمامی نیروهای بر فراز انسان می بایست بزیر کشیده شوند و در ید قدرت انسان برای رسیدن به شکوفایی و رسیدن به منزلگاهی که شایسته انسان است برسد.

اما سرکوب و وحشیانه ولی فقیه در دوره های قبلی راهپیمایی ها بخصوص در ۱۳ آبان و ۱۶ آذر که از ساعت ۵ عصر ببعد زنجیر بسیجیان و نیروهای سرکوبگر را آزاد کردند و آنها بجان تمامی مردم حتی رهگذران عادی افتادند و از هیچ جنبانی خودداری نکردند و همچنین تهاجم به راهپیمایی همین روز باعث شد که تظاهر کنندگان خشمگین شده چند خود رو و موتور سیکلت نیروی انتظامی را به آتش بکشند و از حق دفاع خود در مقابل یورش سرکوبگران استفاده کنند. حکومت که از قبل تدارک همه چیز را دیده بود با اقدامات تخریب گرانه نیروهای سرکوبگر با به آتش کشیدن برخی اماکن خصوصی توسط لباس شخصی ها که پس از خلوت شدن خیابان ها و در شب انجام دادند؛ آنر به عهده راهپیمایان گذاشتند (تخریب ها توسط نیروهای نظامی قبلاً) در روز انجام گرفته و توسط دوربین های مردم ثبت شده بود) می خواهند با تبلیغات و بهره برداری ها سرکوب های خود را شدت بخشند امري که همواره در طی این سی سال با خیمه شب بازی و نمایش های جنون آسا به آن اقدام کرده است.

در خیابان طالقانی نیروی های یگان ویژه از روی پل حافظ بی رحمانه به سمت مردم معترض و در میان جمعیت سنگ پراکنی می کرد و مطمئن بودند که با هر پرتابی یکی از میان جمعیت در خون غوطه ور خواهد شد در خیابان کریمخان نزدیک میدان وی عصر؛ نیروهای سرکوبگر یگان ویژه با یک خودرو ضد ضربه در جلو و با خیل لباس شخصی ها و بسیجیان در پشت سر آنها؛ بسمت مردمی که در حال دادن شعار بودند حمله ور و با خود رو یگان ویژه به صف تظاهر کنندگان کوبیدند که یک دختر حدود ۲۵ ساله نقش زمین شد و چند نفر در بالای سر او سعی در انتقال وی به بیمارستان برای نجات جان وی را داشتند که نیروهای سرکوبگر شروع به ضرب و شتم زنی که در حال کمک به مصدوم بودند پرداختند ولی در تداوم حمله به کل تظاهر کنندگان با مقاومت و سنگ پراکنی آنان مواجه و مجبور به عقب نشینی تا میدان ولی عصر شدند و پس از رسیدن نیروهای کمکی با دو خود رو یگان ویژه در جلو و با حمله سنگین نیروهای سرکوبگر و سپس بسیجیان که همگی با هلله و فریاد به تظاهر کنندگان حمله کردند و این بار بطور وحشیانه ای با خود رو به تظاهر کنندگان زده و با ضرب و شتم و با چوب و چماق و میله های آهنی راهپیمایان را مجبور به فرار کردند و کشته شدگانی که رادان جلاد اظهار نمود که در برخورد با خودرو بوده است در همین منطقه قرار داشت اما وی نگفت که به راننده جنایتکار خودروی نظامی پاداش هنگفتی بخاطر ددمنشی اش پرداخت شده است و خود روهای شخصی با سرعت بسیار کم مجبور به حرکت بودند.. در میدان ولی عصر زنی که به میان نیروهای بسیجی گیر افتاده بود دختر حدود بیست ساله خود را محکم بغل کرده و می لرزید اما به بسیجیانی که وی را دور کرده بودند فریاد می زد شما یزیدید شما دیوانه شده اید شما جنایتکارید گم بشید؛ معلوم بود که زن نه از ترس جان خود بلکه بخاطر دخترش گریه می کند و می لرزد؛ در این بین چند نفر از افراد مسن تر که برخی عابر بودند نیروهای سرکوب را از دور زن و دخترش دور کردند.

با جدا افتادن از راهپیمایان پیاده بطرف انقلاب و سپس از آنجا راهی آزادی و تا اتوبان یادگار شدم آنچه که در اینجا بجا مانده بود نشان از زد و خورد و درگیری بمراتب شدید تر از میدان فردوسی تا میدان ولی عصر می کرد؛ البته حتی یک مورد از تخریب اموال خصوصی مشاهده نگردید و از اموال دولتی نیز تنها تجهیزات نیروهای سرکوبگر و برخی حفاظ ها و حصارها برای ممانعت و کند کردن حرکت نیروهای سرکوبگر تخریب شده بود. در ساعت ۲ عصر هنوز نیروهای سرکوبگر مشغول دستگیری بخصوص جوانان بودند و با هر دستگیری بشدت آنان را مورد ضرب و شتم قرار می داند یکی از بسیجیان مسن تر اظهار می کرد که نباید اسرا را زد؛ در اینجا انسان متوجه عمق شعار و در ک تظاهر کنندگان می شد که شعار می دادند " می جنگم؛ می میرم؛ کشورم را پس می گیرم" و چطور رژیم با مردم و جوانان این مرز و بوم مثل کشور اشغال شده رفتار می کند و آنان توسط افراد ملام تر سرکوبگر؛ اسیر قلمداد می شوند و با این نگرش فقهی است که تجاوز به اسرا توسط برخی مراجع از جمله مصباح یزدی مجاز شمرده شده است. حاکمیت جمهوری اسلامی تمامی مردم را به زیر خط فقر؛ بی حقوقی و بی آینگی محکوم می کند؛ تا برای آنچه که جزو حقوق اولیه آنان از جمله آزادی؛ کار و مسکن و غیره است پس از تحمل خواری و خفت؛ بخش کوچکی از آنرا بصورت صدقه؛ از دولتیان دریافت کنند و بالنتیجه مثنی ارادل و اوباش را بر مردم حاکم می نماید.

حدود ساعت ۳ عده ای هنوز در خیابان شادمهر شعار می دادند؛ و نیروهای سرکوبگر پس از سرکوبی مردم معترض به برخی مقرهای از جمله در ساختمان و محوطه بزرگ راهنمایی و رانندگی مرکز؛ در آزادی رفته و در آنجا تکه استخوان و پاداشی که رهبر و رادان و دیگر جنایتکاران برای رذالت و سببیت آنان تهیه دیده بودند دست می یافتند.

اما شکل گیری راهپیمایی هایی میلیونی و یا صدها هزار نفری عزمی پولادین؛ رخ به رخ هارترین سردمداران جنایت - خامنه ای و اعوان و انصار تا دندان مسلح که از هیچ جنایتی روگردان نیستند - بدون سازماندهی و تشکیلات و بدون رهبری؛ بررسی و تحلیل بسیاری می طلبد مردمی که خود تک تک رهبرند و تشکیلات؛ مسیرها و شعارها با اجماع و هماهنگی مستقیم هنگام راهپیمایی تعیین می شوند و کلیه امور و حتی خبر رسانی و فیلم و عکس و کمک به مجروحین و غیره توسط خود تظاهر کنندگان متحقق می شود؛ این پدیده ها سرفصلی جدید در علوم اجتماعی و جنبش ها و مبارزات است و نظریات جدیدی را طرح خواهد کرد.

در راهپیمایی ها و تظاهرات؛ که معمولاً پنج یا شش ساعت بطول می کشد راهپیمایان بدفعات دچار صدمه گاز های اشک آور و ضرب و شتم می شوند و گاه تا حد خفگی دچار می شوند؛ اما با بازسازی خود مجدداً به عرصه مبارزه باز می گردند. همه در آنچه می خواهند مصمم هستند و ترس در تمامیت خود از بین رفته است و اعتماد به نفس ها بشدت بالا است اگر افراد از صحنه های شدید گریز می کنند این عقابیت و ضرورت تداوم و برای بازگشت مجدد به عرصه مبارزه است؛ در راهپیمایی اخیر بندرت صورت خود را پوشانده بودند و بطور علنی و عیان هر کس شعار مرگ بر خامنه ای سر می داد؛ زیرا دست سردمداران برای مردم رو شده است. اگر حس مالیخولیایی در قدر قدرتی و جنون سرکوب و برتری طلبی؛ خوی استبداد و سلطه طلبی و این قبیل رذائل خامنه ای و امثالهم را کنار بگذاریم بدون شک یک کودک دبستانی و یا راهنمایی بیشتر از وی از علم و درک و فهم و شعور برخوردار است و این چیزی است که بر همه عیان شده است در مورد راهپیمایان و معترضین می بایست گفت که آنها:

- مصمم شده اند که قدرت سیاسی مافوق خود را لگد مال کرده و بزیر بکشند و خود سرنوشت خویش را بدست گیرند
- در هر مرحله از مرحله قبل درس گرفته و با استفاده از تجربیات خود را برای دوره جدید آماده می کنند

- به نتیجه نهایی پیروزمندانه نبرد خود واقف و از اینجهت جنگ را فرسایش کرده اند

- به این نتیجه رسیده اند که بدون سرنگونی کامل نظام ولایت فقیه؛ برقراری دموکراسی و آزادی و مشارکت اجتماعی تحقق نخواهد یافت

- اشتباهات خود را سریعاً ترمیم و اصلاح می کنند و در مراحل بعدی گام های نوینی را بر می دارند

- از خود آگاهی کافی نسبت به موانع دستیابی به آزادی؛ دموکراسی؛ تحقق زندگی انسانی و حقوق مادی و معنوی خود دارند

- نسبت به شعبده بازی؛ ظاهر سازی؛ فریب کاری؛ مظلوم نمایی و در عین حال شقاوت و سببیت حاکمیت شناخت کافی دارند

- نتیجه گرا هستند؛ در عین اعتماد بنفس بالا برای همراهی با بقیه و همچنین خلع سلاح کردن حکومت گاهی شعارهایی از جمله ای حجت بن الحسن ریشه ظلم را بکن و یا عباس علمدار.. می دهند؛ در حالی که خود نیروی مقاومت را تشکیل می دهند.

اگر در شعارها و مبارزات این دوره و همچنین دوره های قبل دقت کنیم؛ مطالبات و خواسته های محوری و کلیدی را می توان بصورت زیر دسته بندی کرد:

مطالبات سیاسی: انتخاب مستقیم کلیه ارکان حکومتی؛ پاسخگو بودن حاکمیت؛ وجود قوه قضائیه مستقل؛ آزادی کلیه تشکل ها و

احزاب سیاسی؛ شورایی شدن اداره دانشگاه ها؛ مجامع علمی؛ بیمارستان ها؛ رسانه ها؛ مراکز تولیدی و...؛ نظارت مستقیم و

مستمر مردمی بر ارکان دولتی

مطالبات اجتماعی: آزادی و دموکراسی؛ برابری حقوق و رفع تبعیض در کلیه عرصه های جنسیتی - قومی - مذهبی؛ جدا شدن دین از

دولت و خصوصی شدن دین؛ کرامت انسانی؛ هویت ملی؛ حقوق بشر؛ آزادی بیان؛ قلم؛ مطبوعات؛ و آزادی تبلیغ؛ آزادی تشکل

های صنفی اعم از سندیکاها؛ شوراها؛ اتحادیه ها برای کلیه کارمندان و کارگران دولتی و بخش خصوصی

مطالبات اقتصادی: تأمین زندگی شرافتمندانه برای کلیه آحاد انسانی؛ تأمین آموزش؛ بهداشت؛ درمان و مسکن برای همگان؛ نفی

استثمار و بهره کشی و تحقق عدالت اقتصادی و هر کس نتیجه کارش؛ مصادره تمامی نهادهای مالی و انحصاری سرکوبگران بنبف مردم

این مطالبات یک رابطه و پیوند درونی با یکدیگر داشته و مجزا از یکدیگر قابل تحقق نمی باشند مثلاً" با وجود نهادهای مالی انحصاری که بردگی اقتصادی را برای اکثریت مردم به ارمغان آورده و یا با قانون اساسی فعلی و اصل ولایت فقیه ؛ می توان از حقوق بشر؛ هویت ملی ؛ کرامت انسانی ؛ آزادی و دموکراسی و اصل "هر کس به اندازه کارش" و تأمین نیازمندی های اولیه برای کلیه آحاد سخن گفت ؛ و بلعکس یعنی دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی قابل دوام نخواهد بود و در صورت عدم تأمین دموکراسی اقتصادی ؛ دیکتاتوری و استبداد پس از یک دوره کوتاه مجدداً حاکم خواهد شد ؛ عبارات دیگر بدون برجیده شدن نهاد های انحصاری مالی - تجاری کنونی که در دست روحانیت ؛ دولتیان و نظامیان رده بالا و سرمایه داران وابسته به آنها است دستیابی به آزادی ؛ دموکراسی و توسعه پایدار امکانپذیر نخواهد بود . آزادی ؛ دموکراسی ؛ کرامت انسانی می بایست توسط ساختار ها نظام ها ؛ نهاد های اجتماعی و اقتصادی و قوانین مصوب مورد حمایت قرار گیرند ؛ و بساط ظلم و استعمار بر چیده شوند .

حاکمیت پس از شکست یورش در سرکوب معترضین ؛ کشتار خیابانی ؛ تجاوز در زندان ها ؛ برگزاري دادگاه های نمایشی بهانه جویی های متفاوت اینک تحت عنوان شکسته شدن حرمت عاشورا به جنایت ها بی حقوقی ها و خشونت بی حد و حصر اقدام خواهد کرد و این نوع سناریو ها را بارها و بارها در دهه های قبل عمل کرده و در زمان جنگ و دوره های بی خبری با توجه به شرایط روز موفق هم بوده ؛ هر چند بر پرونده نکبت بار و حجم جنایات خود افزوده است . حاکمیت مسئولیت کدامیک از کشتار ها و ترورها در داخل و خارج از کشور که بالغ بر دهها هزار کشته در داخل و صدها ترور در خارج شده است را ؛ قبلاً" پذیرفته است از ترور دکتر شرافکندي و دیگر رهبران کرد در میکونوس آلمان (که دادگاه آلمان علی خامنه ای - رفسنجانی و ولایتی را بعنوان آمران ترور شناسایی و محکوم نمود) تا ترور اهل قلم و نویسندگانی چون مختاری و پوینده و همچنین ترور فروهر ها در ایران که خود خامنه ای ترور ها را به قدرت های خارجی نسبت داد و بعد وزارت اطلاعات مسئولیت ترورها را متوجه نیروهای خود سر خود کرد . پس از هر جنایت در حالی که خون قربانیان خشک نشده جانیان با اشک برای مظلومیت امام حسین خود را مظلوم می نمایند که کشتار و ترورها را دشمنان جمهوری اسلامی برای بدنام کردن جمهوری اسلامی انجام می کنند . آیت الله خمینی که حکم کشتار هزاران انسان و بخصوص قریب پنجهزار زندانی را در سال ۱۳۶۷ داد پس از کشتار کلیه اهالی روستای قارنا توسط سپاه پاسداران در کردستان اظهار داشت : " کشتار کنندگان جزء اشخاصی که مربوط به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی باشند نبودند چون آدمکش نمی شوند - آقای خلخالی (حاکم شرع جلد) هم تأیید کرده و قول دستگیری و جبران داده " (مجموعه آثار ج ۹ ص ۲۲۴) - " همچنین وی اظهار داشت که مخالفین در زندان ها خود را شکنجه می کنند و زن حامله را اعدام کرده اند تا جمهوری اسلامی را بد نام کنند .

و امروزه مجدداً" به بهانه از بین رفتن حرمت عاشورا ماشین سرکوب و جنایت خود را سازمان داده تا بجان مردم مبارز و معترض بیفتند . حفظ حقوق بشر ؛ حرمت جان انسان ها نفي استبداد ؛ استعمار ؛ بهره کشی ؛ اقتصاد سالم ؛ نفي تورم (که در جهان پس از چهار کشور میانمار ؛ مغولستان ؛ افغانستان و ونزولا قرار داریم) ایجاد جامعه ای انسانی ؛ ریشه کن کردن فقر ؛ بیکاری ؛ فحشاء ؛ اعتیاد و تهیه امکانات زندگی برای همه آحاد کشور حفظ حرمت عاشورا است یا جنون و آدمکشی ؛ دروغ و فریب کاری ؛ چپاول و غارت و سرکوبی و استعمار و از این قبیل اعمال حفظ حرمت روزهای مقدس - از جمله عاشورا- است ؟ عمق فریبکاری ؛ نیرنگ ها و شعبده بازی های حاکمیت برای غارت و چپاول منابع اقتصادی و حقوق و دسترنج کارگران و کارمندان را نمی توان پایانی متصور شد .

جمع بندی مبارزات این دوره :

به شکست کشاندن جنبش پر قدرت و آگاهانه کنونی که در بستر بحران های مرگبار اقتصادی رژیم در حال تداوم است بهیچوجه برای حاکمیت امکانپذیر نخواهد بود و تنها از طریق ایجاد اختلاف و جدایی در بین مردم می تواند آنرا به انحراف و سپس شکست بکشاند بدین صورت که با دادن برخی امتیازات جزئی و با تغییر برخی چهره ها میان مردم مبارز شکاف انداخته و آنها را از مطالبات واقعی و تاریخی خود جدا کرده و در نهایت جنبش را با شکست مواجه نماید و با بازسازی نهادها و سازمان های سرکوبگرش امتیازات جزئی داده شده را نیز پس بگیرد .

جنبش کنونی هر چند از ظرفیت های بسیاری بهره می گیرد اما برای پیروزی نهایی بدون داشتن تشکیلات ؛ اهداف ؛ برنامه در کلیه عرصه ها و بخصوص برنامه های اقتصادی و اجتماعی به نتیجه نهایی نخواهد رسید . از هم اکنون می بایست با تشکیل شوراهای و تشکل ها در محلات و در محل کار نسبت به برنامه ها ؛ اهداف ؛ و روش های مبارزه و نیرو هم فکری کرد و بر اساس اهداف و مطالبات ؛ به ایجاد تشکیلات ؛ سازمان و احزاب متناسب اقدام نماییم .

جنبش بدون طرح مستقیم مطالبات اقتصادی از جمله مطالبات و خواسته های کارگران و کارمندان ؛ پرستاران و معلمان و گسترش مبارزات سیاسی به مبارزات اقتصادی به پیروزی نهایی دست نخواهد یافت
اگر اعتصابات و اعتراضات به میان این اقشار برود و بخش های کلیدی مثل نفت و گاز و برق و معلمان و .. دست به اعتصاب بزنند و مردم نیز از پرداخت هزینه خدمات دولتی خودداری و نقدینگی خود را از بانک ها خارج کنند دیگر حاکمیت قادر به مقابله نخواهد بود و کلید موفقیت نه افزودن صرفاً" مبارزات سیاسی و کشیده شدن به درگیری های شدید ؛ بلکه سمت گیری مبارزه بسمت مبارزات اقتصادی می باشد . با مبارزات سیاسی انجام شده تا کنون کفه ترازو به نفع جنبش اعتراضی سنگین شده و ترس و نگرانی کارگران و کارمندان ریخته است و هیچکس برای این حاکمیت آینده ای متصور نخواهد بود پس بیشتر تمرکز می بایست به سمت گسترش مبارزات در کلیه عرصه های اقتصادی ؛ سیاسی ؛ فرهنگی - ایدئولوژیک و هر چه و گسترده کردن مبارزات در کلیه عرصه ها باشد .

ح - نداوش

به هر وسیله ای که در دسترس دارید گزارشات تحلیلی و خبری تظاهرات را منتشر کنید